

اندیشه اسلامی

استاد خانم ایوادو ویتزای میروویچ، مستشرق مسلمان فرانسوی، از موقعیت شایسته‌ای در محافل دانشگاهی فرانسه و به طور کلی در سطح غرب برخوردار بوده است. ...

استاد خانم ایوادو ویتزای میروویچ، مستشرق مسلمان فرانسوی، از موقعیت شایسته‌ای در محافل دانشگاهی فرانسه و به طور کلی در سطح غرب برخوردار بوده است. به علاوه، سوابق اسلامی وی مثبت است. شهرت وی از طریق ارائه آثار مهم صوفی‌گری و کتابهایی که به زبانهای مختلف ترجمه گردیده، کسب شده است. آشنایی نزدیک جهان عرب و اسلام با نامبرده از هنگامی است که وی در فواصل سالهای 1969-1973 به تدریس در دانشگاه الازهر پرداخت و سخنرانیهایی نیز در اغلب کشورهای عربی و از جمله کویت در سال 1971 ایراد نمود. خانم ایوا میروویچ در خصوص تفکر صوفی‌گری تخصص دارد و آثار مولانا جلال‌الدین رومی را برای ترجمه به فرانسوی انتخاب کرده است. همچنین ضمن مطالعه تالیفات و آثار محمد اقبال، پدر روحانی کشور اسلامی پاکستان، به ترجمه آنها مبادرت ورزید. استاد میروویچ تالیفات مختلفی درباره شعر تصوف و نیز تفکر اسلامی تدوین نموده که از جمله می‌توان به «چهره دیگر اسلام» و «نماز در اسلام» اشاره نمود. نامبرده در سال 1963 به اسلام گروید. وی اخیراً و در سن 90 سالگی در فرانسه دار فانی را وداع گفت و به رحمت ایزدی پیوست.

مجله الزمن مصاحبه‌ای را با وی در پاریس انجام داده است که توجه خوانندگان را به آن جلب می‌نمایم:

در ابتدا، چه عنوانی را برای خود می‌پسندید، عرب شناس، شرق شناس یا استاد اندیشه اسلامی؟

مایلم مرا به عنوان يك زن مسلمان فرانسوی بدانید؛ چرا که این عنوان برای من بهتر از هر عنوان دیگری است.

برخی از روزنامه نگاران شما را اشتباهاً لهستانی الاصل به شمار می‌آورند، اصالت و رشد علمی شما از کجاست؟

پدرم از اشراف زادگان فرانسوی و مادرم اصالتاً اسکاتلندی است. موفق به اخذ لیسانس حقوق و سپس دکترای ادبیات از دانشگاه سوربن شده‌ام، رساله دکترای من درباره «جلال‌الدین رومی و روابط روحانیت و شعر در جهان اسلام» بوده است. البته منظورم این رومی، شاعر معروف عرب نمی‌باشد.

غالباً تحقیقات من پیرامون اشعار مولانا و آثار او بوده و زیبایی اندیشه‌ها و شیوه‌های تعبیری وی و نیز اشعار شیوایش مرا تحت تاثیر خود قرار داد.

چگونه به وجود مولای رومی پی بردید و چه چیزی موجب جلب توجه شما نسبت به وی گردید؟

این افتخار به محمد اقبال، شاعر و اندیشمند بزرگ اسلامی، برمی‌گردد؛ چرا که ابتدا با تالیفات وی آشنا شدم و ملاحظه کردم که او بسیار از مولای رومی سخن گفته، به آثارش استناد می‌ورزد. هنگامی که به مطالعه آثار مولانا پرداختم، به شگفتی آن پی بردم و همین امر موجب گردید تا به ترجمه تمامی آثار مولانا از فارسی به فرانسوی اقدام کنم.

آیا کتاب «آنتولوژی تصوف» به عنوان بخشی از کارهای شما در ارتباط با مولای رومی است؟

خیر، در واقع این کتاب يك کار مستقل و ویژه درباره مولانا است که شامل ترجمه مثنوی، حاوی 25 هزار بیت شعر، رباعیات و نثر، کتاب معرفت که با عنوان «کتاب فیه مافیة» انتشار یافته و همچنین تالیفات دیگر می‌باشد.

اندیشه‌های مولانا چه چیز تازه‌ای برای دوران ما دارد؟

ما به شدت به اندیشه‌های او نیازمندیم؛ زیرا شناسایی ارزش دیگران در زمان ما بسیار مهم است و این همان چیزی است که مولانا بر آن تاکید داشته است. جلال‌الدین رومی به سلوک نفسانی خود اهمیت ویژه‌ای داده، شناخت خود را نسبت به آن تعمیق بخشید، سپس شناخت خود را نسبت به دیگران گسترش داد و پس از آن، دیگران را به سوی آن فراخواند.

شاید بتوان چنین مقوله‌ای را بر دیگر بزرگان تصوف اطلاق نمود، چه چیزی جلال‌الدین رومی را از سایرین متمایز می‌سازد؟

البته اسلام؛ زیرا دیدگاه مولانا بر مبنای اسلام استوار بوده و از آن الهام گرفته است. ارائه مبانی والای اسلامی از طریق اندیشه‌های وی، با زور زهد و وسیله عشق الهی می‌باشد.

آیا دیدگاه مولانا نسبت به زندگی را يك دیدگاه خاص تلقی می‌کنید. چرا؟

بله، نگرش او به زندگی از ویژگی خاصی برخوردار بوده و جهانی است. او قائل به این امر است که دیگری نیز ممکن است محق باشد و مقوله‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه چنانچه منشاء دو (چیز)، حقیقتی واحد باشد، تناقضی میان آن دو نیست. آثار مولانا ماهیت مباحثه‌ای ندارد و همچنین متضمن تاکید بر صحت (یا رد) یکی از ادیان الهی نمی‌باشد. آثار او، در واقع، مشتمل بر نحوه زندگی از طریق پایبندی به دین و تکامل با آن به صورت زنده و آشکار که هیچ کس قادر به پنهان ساختن آن نیست، می‌باشد. مولانا همچنین در راس طریقت صوفی بود؛ طریقتی که بسیاری از سالکین در آن بوده، تا به حال نیز هزاران مشتاق در سطح جهان به آن گرایش دارند.

مگر نه این است که مولای رومی می‌گوید اگر يك ذره را به دو نیم کنیم، در دل آن يك منظومه شمسی خواهیم یافت؟

آری، البته به این محدود نمی‌شود و علاوه بر عظمت افکارش و شیوه بیان مجازیش، يك نوع نگرش و پیش بینی نسبت به فضای شگفت آمیز زمان خود داشت؛ اگرچه او در اوایل قرن سیزده میلادی به عنوان يك اندیشمند یا دانشمند جوان آن دوران به شمار می‌آمد؛ برای مثال، گفته است: اگر قادر بودید تا هسته‌ای را به دو نیم کنید، (آنچه که در بادی امر به ذهن می‌رسد، این است که منظور وی، فرض وجود يك هسته است، در حالی که او يك نوع پیش گویی علمی نموده است) در درون آن جهان دیگری خواهید یافت که برای خود، خورشید و ستارگان پیرامون آن را دارد و نیز می‌گوید: شکستن این هسته، خطر بزرگی در پی خواهد داشت که بدین وسیله، به دنیای انفجار هسته‌ای اشاره نموده است. همچنین می‌افزاید: اگر هسته‌ای به دو نیم شود، زمین را به ویرانی خواهد کشاند. به عبارتی، او از آن هنگام به خطری که بشر را تهدید می‌کند، پی برده و نسبت به انتشار نیروی اتمی هشدار داده بود و این چیزی است که مورد تاکید آزمایش‌های جدید قرار گرفته است.

گمان می‌کنم که مولای رومی به رازی که در موسیقی نهفته و می‌تواند تحولات مهمی را در جهان باعث شود، پی برده بود، آیا همین طور است؟

آری، ولی این راز در ارتباط با زمینه‌های ادراکی و هنری است. x یعنی ارتباطی با جنبه علمی ندارد؟

دقیقاً؛ چرا که موسیقی يك واقعیت علمی نیست، بلکه يك واقعیت هنری است. جلال‌الدین رومی به رغم اینکه يك شاعر برجسته بود، اما همچنان نسبت به عبادات که همگام با سیر و سلوک او بود، پایبند باقی ماند.

مایلم هستیم قدری هم از اندیشمند محمد اقبال سخن بگوییم. می‌دانیم که نخستین آشنایی شما با اسلام، از طریق کتاب «تجدید ساختار تفکر دینی در اسلام» وی

بوده است، چه چیزی موجب گردید تا بدین حد، به فلسفه اقبال علاقه‌مند شوید و درصدد ترجمه کتاب مذکور از انگلیسی به فرانسوی برآید؟ پس از مدتها جست و جو و ناکامی در ادیان مختلف، گم‌شده خود را در این فلسفه یافتیم؛ چرا که نگرشی شمولی به جهان و بشریت داشت و این ویژگی فلسفه محمد اقبال و ماهیت جهان شمولی آن است؛ بدون آنکه بخواهیم از ویژگی اسلامی آن بکاهیم. در آن هنگام مینای شناختی مستحکمی درباره ادیان نداشتیم و اتفاقاً کتاب مذکور اقبال را دیدیم و اقدام به ترجمه آن از انگلیسی به فرانسه کردم و این اقدام را در دفتر کار خود در مرکز ملی پژوهش‌های علمی، (CNRS) انجام دادم که البته مطالعه آن کتاب، عامل تعیین کننده‌ای در مشخص کردن موضع دینی‌ام داشت؛ چرا که پاسخگوی تمایل من به جهان شمولی بود و این ویژگی بارز اسلام به شمار می‌رود.

یعنی عامل تاثیرگذار اسلام در شما، مساله جهان شمولی آن بوده است؟

این چیزی است که در جهان اقبال یافتیم و نیز اشتیاقی است که به تعمیق شناخت خود نسبت به میراث و اندیشه اسلامی داشتیم، این اقبال بود که مرا به يك منبع روحی سرشار یعنی مولانا هدایت کرد. بنابراین توجه من به وی، موجب فراگیری زبان فارسی شد؛ چرا که وی آثارش را به زبان فارسی نوشته است. اقبال علی رغم تسلط زبانهای انگلیسی، آلمانی و عربی، مطالبش را به فارسی تالیف نموده است.

آیا گردید شما به اسلام ناشی از دلایل نظری بود یا اینکه اسلام را به عنوان يك امر بدیهی و دین فطرت یافتید و سپس درصدد تقویت ادراک خود برآمدید؟

پاسخ این سؤال هم مثبت و هم منفی است؛ زیرا در ابتدا به عقیده دیگری توجه داشتیم و ناگهان اسلام در برابرم ظاهر گردید و مطمئن شدم همان چیزی است که در جست و جوی آن هستم و بعد از آنکه بیشتر با اسلام آشنا شدم، اعتقاد به آن را به عنوان يك عقیده بدیهی در قلبم استوار نمودم.

در ابتدا به اسلام به عنوان يك نظریه قابل اهتمام می‌نگریستم. سپس هنگامی که از زبانهای اروپایی گذشته و به زبان فارسی پرداختم، به آنچه که در واقع مستلزم آگاهی بود، یعنی حقیقت‌بدیهی جهان شمولی اسلام، پی بردم و این در حالی بود که از طریق افکار محمد اقبال، با اندیشه‌های مولای رومی آشنا گردیدم.

ماهیت اسلام به تدریج‌برایم به عنوان حقیقت نخستین، مجسم گردید و موجب شد تا پس از سه الی چهار سال فراگیری زبان فارسی، شناخت اسلامی‌ام افزایش یابد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که شما قبل از پی بردن به اسلام به عنوان يك حقیقت نخستین، در يك دوران مقدماتی بسر برده‌اید؟

دقیقا همین طور است.

شما در طول زندگی کاری خود، پستهای مهمی را بویژه در مرکز پژوهش‌های علمی داشته‌اید و هنگامی که دو دانشمند مشهور در زمینه علوم هسته‌ای، یعنی ایرین و

ژولیو کوری، اقدام به تاسیس مرکز یاد شده پس از جنگ جهانی دوم نمودند، شما نیز در کنار آنها بودید. در صورت امکان، از آن مرحله صحبت کنید؟

پس از جنگ جهانی ژولیو کوری آن مرکز را تاسیس کرد و به مدت چند سال مدیریت آن را برعهده داشت. کوری در جریان جنگ، رئیس پژوهشکده فرانسه بود و من در آنجا با او آشنا شدم. من مسؤولیت‌بخش اداری را در اختیار داشتیم و وظیفه‌ام، پذیرش افراد پژوهشگر و راهنمایی آنها به مراکز مشورتی ذریبط بود. این موضوع در زمان اشغال آلمانها بود و بایستی اسرار تحقیقات خود را حفظ می‌کردیم. برای مثال، هنگام تردد در خارج از منزل و محل کار، بایستی حتما به همراه خود قرص سیانور می‌داشتیم.

چه ضرورتی داشت که قرص کشنده به همراه خود داشته باشید؟

ژولیو کوری در مرحله آغازین پژوهش‌هایش درباره بمب اتم قرار داشت، اما در ظاهر، تحقیقات نظری پیرامون اتم می‌کرد و در حقیقت، در آستانه ساخت بمب اتم بود. به یاد می‌آورم که کوری در راستای انجام تحقیقاتش، شبها را بیدار می‌ماند تا بدین وسیله، جهان مخالف نازیسم را از انفجار هسته‌ای را کشف کند؛ چرا که از آن بیم می‌رفت که آلمانها زودتر به این علم و خطرات سنگین آن پی ببرند. من تا سال 1974 در آن مرکز اشتغال داشتیم و سپس به آموختن زبان فارسی مشغول گردیدم و اکثر آثار مولانا را ترجمه نمودم.

لطفا درباره سفر به کشورهای عربی و ایراد سخنرانی در آن کشورها توضیح دهید؟

بدیهی است که از پژوهشگران خواسته می‌شود تا به نشر معلومات خود مبادرت ورزند. در همین راستا بود که اینجانب طی سالهای 1969 تا 1973، اقدام به تدریس فلسفه تطبیقی در دانشگاه الازهر نمودم که مورد استقبال گرم آنان قرار گرفتم. همچنین سخنرانیهایی نیز در سایر کشورهای عربی بجز عراق ایراد کردم. برای مثال، نج‌یا شیش سخنرانی در مرکز فرهنگی فرانسه در کویت داشته‌ام و به همین مناسبت، مورد استقبال امیر کویت قرار گرفتم. همچنین به زیارت خانه خدا و انجام فریضه حج نائل گردیدم. همچنین به ترکیه دعوت شدم و مورد استقبال گرم آنان قرار گرفتم و قبر مولانا و مکان تدریس وی را زیارت نمودم.

پروفیسور اوادو ویتراي میروویچ ترجمه‌ی: واصلی، صالح